

امام سجاد علیه السلام، طلایه دار سبک زندگی اسلامی بر اساس نیایش

<?xml encoding="UTF-8">

سبک زندگی بر اساس آموزه های دینی بر شکل گیری هویت مطلوب اجتماعی آحاد جامعه، بیشترین تأثیر را دارد. یکی از منابع مهم اسلامی که با معرفی فرهنگ اسلامی، می تواند نقش بسزایی در سبک زندگی اسلامی داشته باشد، دعاهای صحیفه سجادیه است. در گفت وگویی که با آقای دکتر احسان پوراسماعیل، صحیفه پژوه و استاد دانشگاه علوم و حدیث داشتیم این موارد را مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم.

برای شروع گفت وگو یک تعریف کلی از سبک زندگی و ویژگی های زندگی سالم از نگاه بزرگان دین ارائه بفرمایید.

موضوع سبک زندگی و مباحث پیرامون آن، تقریباً از آغاز قرن بیستم میلادی به ادبیات جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی و حوزه مطالعات فرهنگی وارد شد. سبک زندگی روشی است که فرد در طول زندگی انتخاب کرده و زیربنای آن در خانواده پی ریزی می شود که متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، اعتقادات و باورهاست.

سبک زندگی مانند بسیاری از موضوعات مرتبط با زیست انسان، ریشه در دین دارد. قرآن، به عنوان کامل ترین کتاب راهنمای بشر، نقشه راه زندگی را در همه ابعاد زندگی به انسان آموخته است و اهل بیت (ع) ضمن تبیین مفاهیم آن، سبک زندگی قرآنی را در رفتار خود متبلور ساخته اند.

بنابراین سبک زندگی، مجموعه ای از الگوهای نظام مند در حوزه رفتار است که خاستگاه آن را باورها، ارزش ها و هنجارهای شکل گرفته در یک فرهنگ یا خرده فرهنگ تشکیل می دهد و از عامل دین اثر پذیرفته است.

دین اسلام، الگوهایی را ارائه کرده است که بر اساس آن می توان سبک زندگی اسلامی را پایه ریزی کرد. از ابتدای حیات تا به هنگامه جاری بودن زندگی، مسأله سبک زندگی، همواره از مسائل مهم و به روز بوده و خواهد بود و از همان آغاز به دلیل وجود حجت خدا در کنار انسان، تربیت دینی با بشر همراه بوده است، بنابراین سبک زندگی ریشه در آموزه های دینی دارد، اگرچه بشر در برخی امور سعی کرده آن را از مسیر اصیل خود خارج کند. ما معتقدیم فقط این انسان دیندار است که زندگی می کند. امام امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «زندگی جز به دینداری نیست». از این رو بسیاری از افراد پیرامون ما زنده اند ولی زندگی نمی کنند.

برای مطالعه سبک زندگی اسلامی و الگوگیری از آموزه های اهل بیت (ع) چه راه هایی را پیشنهاد می کنید؟

- ابتدا باید الگو را در جامعه درست تعریف کنیم. امروز در جامعه ما رسانه ها از ورزشکاران و هنرمندان الگو برداری می کنند، اما آیا هر ورزشکار و هنرمندی الگوست؟ آیا این افراد در تمام مراحل زندگی درونی شان هنرمند و

قهرمان به شمار می آیند؟ مگر اصل اوّل یک الگو تکامل نیست؟ چرا بیشتر رسانه های ما آیه «ولکم فی رسول ا... اسوه حسنه» را از خاطر برده اند و کمتر به ارایه سبک زندگی پیامبران و امامان می پردازند؟ نهاد خانواده، بیشترین تأثیر را در پیوند فرزند خود با الگوهای حقیقی دارند؛ تربیت فرزند خانواده ای که به مطالعه کتاب مفید، بیشتر از اندازه صفحه تلویزیون خود اهمیت می دهد، متفاوت است.

از پدر و مادری فرهیخته، فرزندی با فرهنگ متولّد می شود. گندم از گندم بروید، جو ز جو؛ قرآن مجید با همه عظمت اش پرهیزکاران را هدایت می کند، نه همه افراد جامعه را، «هدی للمتقین» این یعنی فرهنگ غنی اسلامی در جان فردی می نشیند که دارای «تقوای ابتدایی» باشد، در غیر این صورت «و لایزید الظالمین الا خسارا».

ریشه تقوای ابتدایی در خانواده نهادینه می شود و سایر متولیان فرهنگ جامعه باید با برنامه ای مشخص آن را بارور سازند. کسی که تقوای ابتدایی دارد، اهل لجاجت و تعصّب نیست، بلکه حق پذیر است. ایجاد روحیه حق پذیری در خانواده ای سالم به وجود می آید، خانواده ای که کودک در رفتار والدین خود، تناقضات دین و هوای نفس را شاهد نباشد و در نزاع این دو حاکمیت دین را ملاحظه کند.

ضلع دوم مثلث طلایی سبک زندگی اسلامی به عهده مدرسه و در ادامه، فضای آموزش عالی است که رفتار معلّم و استاد بیشترین تأثیر را در نسل جدید خواهد گذاشت.

و ضلع سوم به عهده نهادهای فرهنگی جامعه است که این بخش از اهمیّت ویژه ای برخوردار است، زیرا زیرساختهای معرفتی و دانش افزایی خانه و مدرسه را باید فراهم کند. اگر این بخش وظیفه خود را درست انجام ندهد، شاهد نواقصی در سیر تربیتی فرزند هستیم.

در حال حاضر کدام یک از نهادهای فرهنگی کشور به جوان ما، کسب حلال را می آموزد؟ کدام نهاد کشور آموزه های لازم را برای همسرداری به جوانان انتقال می دهد؟ باور من این است امروز باید به دنبال بازنگری مسائل مهم زندگی، تقسیم کار مشخصی بین نهادهای فرهنگی جامعه شکل گیرد و هریک درسامان بخشی مشخص از زندگی بکوشد.

در نقشه راه جدید باید وظیفه نهادهای فرهنگی کشور به تفکیک مشخص و مهندسی شود. امروز تا می گوئیم «سبک زندگی» هر نهادی به سلیقه خود پرچم سبک زندگی را افراشته می کند! نهادی با مسابقه، نهادی با برپایی همایش، نهادی با نگارش تحقیقات و پروژه های پژوهشی و... اما اینکه سهم دقیق هر یک در حرکت کاروان فرهنگ به سمت جلو چیست، نامشخص است. همان طور که به جوان جامعه سبک زندگی اسلامی را در ابعاد مختلف نیاموخته ایم، نسل میانسال ما هم نمی داند با این جوان چگونه برخورد کند، نمی داند که چگونه می توان به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) «فرزند زمان خود باشیم»، اینجاست که شکاف بین نسل ها پدیدار می شود که نتیجه این گسست خسارتهای جبران ناپذیری را به جامعه تحمیل می کند.

با توجه به تفاوت ویژگی های عصر امام سجّاد (ع) با زمانه ما، به نظر شما آیا می توان سبک زندگی ایشان را در حال حاضر هم پیاده کرد؟

آنچه از سرچشمه الهی برخوردار باشد، رنگ کهنگی به خود نمی گیرد و همواره قابل بهره برداری است. مفاهیم مثبت از ابتدای حیات بشر، محبوب همگان بوده و مفاهیم نادرست همواره از جایگاه ناشایستی برخوردار بوده

است. عنصر زمان و مکان بر خلقت انسان که بر اساس فطرت توحیدی است اثرگذار نیست. صداقت، کرامت و انسانیت از قرن ها پیش به عنوان یک ارزش مطرح بوده است و هم اکنون اینگونه هست و در آینده نیز خواهد بود، ظلم همیشه ناشایست بوده و خواهد بود، پس الگوی درست و کامل سبک زندگی در پی قرون مختلف تغییر نمی یابد. به این ترتیب سبک زندگی مطلوب و مورد رضای خدا را در هر زمان و مکانی، تنها می توان از دریچه حجت خدا در روی زمین یافت. به عنوان مثال، یکی از آموزه های امام سجاد (ع) سبک زندگی ایشان در برابر جریان تکرارناشدنی کربلاست، ایشان با یادآوری از این رخداد در طول زندگی خود به شیعه آموختند که خط سرخ حسینی باید همواره در جامعه با اقامه عزا حفظ شود؛ به عبارت دیگر مصونیت شیعه از انحراف را با همین اشک و اندوه حسینی ترسیم کردند.

جایگاه روابط و وظایف خانوادگی از نگاه امام سجاد (ع) چطور و چگونه است؟

خانواده مهمترین رکن اساسی جامعه است که بعد از تشکیل نیازمند انتخاب سبکی برای زندگی خود است. انسان یک بار بیشتر فرصت زندگی در این دنیا را ندارد، پس باید راهی را برگزیند که سعادت دنیا و آخرت او را رقم بزند.

در کتاب صحیفه سجادیه که از امام چهارم شیعیان برجای مانده است، روابط و وظایف خانوادگی را می توان به وظایف زن و شوهر، وظایف والدین نسبت به فرزندان و وظایف فرزندان در قبال والدین تقسیم کنیم.

در روابط و وظایف زناشویی، مؤلفه های 1. خیرخواهی (دعای 251، بخش 33) 2. همکاری با یکدیگر (دعای 23، بخش 13) 3. سازگاری و گذشت (دعای 26، بخش 3) مورد توجه امام سجاد (ع) بوده است.

در وظایف والدین نسبت به فرزندان امام سجاد (ع) در حدیث مفصلی به عنوان بیان حق فرزند پرداخته است. حضرت می فرماید: «حق فرزندان به تو این است که بدانی او، در خیر و شر دنیا، از تو و وابسته به توست، و تو در ولایتی که بر وی داری مسئول تربیت او هستی، مسئول هدایت اش به خداوندی و مسؤولی که او را در طاعت باری تعالی کمک نمایی. باید عملت درباره فرزندان به گونه ای باشد که بدانی در نیکی نسبت به او مآجوری و در بدی نسبت به وی معاقب».

امام (ع) در دعای 25 در اولین بخش برای فرزندانش دعا می کند: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وَلَدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ». یعنی: بار الهی بر من منت گذار به این نعمت که فرزندان مرا باقی بداری و آنها را برای من صالح گردانی و مرا به وجود آنها بهره مند و کامروا سازی».

در بخش دیگر دعا، درخواستهای خود را جهت طول عمر و اصلاح و سعادت مندی در دنیا و آخرت فرزندان بیان می فرماید. سپس با اشاره به اهمیت تربیت فرزندان به ما می آموزد از خداوند درخواست کنیم که ما را در تربیت آنان یاری کند. آن گاه با اشاره به نقشه ها و توطئه های شیطان، به ما می آموزد که برای حفظ شدن از وسوسه های شیطان دعا کنیم و از خداوند بخواهیم که شیطان را بر ما غالب نکند و در پایان آنچه را برای خود و فرزندان خویش درخواست فرموده، برای همه مردان و زنان مؤمن از پیشگاه خداوند طلب می نماید.

به این ترتیب امام سجاد (ع) در دعای 25 وظایف و روابط والدین نسبت به فرزندان را در 4 شاخصه تعیین می کند: 1. آموزش اخلاق و عقیده درست، 2. پرورش فرزندان پاک و دیندار، 3. معرفی الگوهای صحیح، 4. تأمین

فرزندان.

صحیفه سجّادیه، کتابی با محوریت دعا ست اما تنها کتاب نیایش نیست، بلکه مبانی بسیار مهم علمی، روان شناسی، اقتصادی، معرفتی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی را امام سجّاد (ع) در قالب دعا بیان فرموده اند. آن حضرت با زبان دعا به فرهنگ سازی در حوزه های مختلف اجتماعی پرداخته و فرهنگ دعای شیعی را نهادینه کرد و میراث گرانبهائی را در باب رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با دیگران و رابطه انسان با خودش برای بشریت به ودیعه نهاده است.

این صحیفه سرشار از معارف ناب و ژرف اسلامی است و تأمل در مضامین آن می تواند الگوی مناسبی برای سبک زندگی اسلامی و تأمین سعادت دنیا و آخرت باشد. امام در وظایف فرزندان نسبت به والدین، در دعای 24 بخش 3 در قدر مقام والدین می فرماید: «خدایا، وظیفه ام را نسبت به پدر و مادرم به من الهام کن و همه دانش خدمتگزاری به آن دو را به من بیاموز». در دعای 24، سیّدالسّاجدین (ع) ما را به حقوق پدر و مادر گوشزد می کند و از خداوند در خصوص رعایت حقوق والدین طلب کمک می کند: «خدایا صدای مرا در برابر ایشان آهسته، سخن مرا خوشایند، خوی مرا نرم و دل مرا بر آنان مهربان کن، و مرا با ایشان سازگار و بر آنان رحیم گردان».

مؤلفه های وظایف فرزندان نسبت به والدین در دعاها 24 و 25 صحیفه سجّادیه را در 6 مورد می توان خلاصه کرد: 1. نیکی به والدین، 2. دوری از عاق والدین، 3. اطاعت از والدین، 4. محبت به والدین، 5. نرم خویی با والدین، 6. انتقام نگرفتن از والدین.

توصیه های امام سجّاد (ع) در رابطه با ویژگی های دوست خوب و نحوه ارتباط با جامعه و همسایگان شامل چه مواردی می شود؟

با نگاه به قرآن و روایات می توان فهمید که اسلام، دین زندگی اجتماعی است. قوانین و قواعد زندگی همگی، دال بر رویکرد اجتماعی این مکتب است.

اجتماعی شدن جریانی است که در آن هنجارها، مهارتها، انگیزه ها، طرزتلقی ها و رفتارهای هر فرد شکل می گیرد تا ایفای نقش کنونی و آتی او در جامعه، به شکلی مناسب و مطلوب شناخته شود.

ما در یک جامعه با دیگران در ارتباط هستیم، همین تعامل نوعی احساس مسؤولیت در قبال آنان را برای ما رقم خواهد زد که امام زین العابدین (ع) در قالب دعا این وظایف فردی و اجتماعی را به ما آموزش می دهد. شاخصه های روابط و وظایف در ارتباط با دوستان و همسایگان در دعاها 17، 26، 32 و 44 صحیفه سجّادیه عبارتند از: 1. دعا کردن آنان، 2. رفع نیازها و نگاه سخاوتمندانه به آنها، 3. هدایت آنان به راه درست، 4. مشورت و خیرخواهی صالحانه، 5. رازپوشی و پوشاندن عیوب ایشان، 6. کمک در انجام کارهای نیک، 7. نرم خویی و یاری ضعیفان از میان ایشان، 8. عیادت بیماران آنان، 9. استقبال آنان در بازگشت از سفر، 10. حسد نداشتن به آنان، 11. فروتنی نسبت به آنها، 12. مساوات در برخورد با آنها، 13. دلجویی در سختی ها و مشکلات، 14. گمان نیکو بردن، 15. جویا شدن از حال آنان.

یکی از مواردی که امروزه ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده، کسب آرامش و میزان رضایتمندی از زندگی است،
سلوک امام سجّاد (ع) برای رسیدن به این آرامش چیست؟

باور عوام بر این است که رضایتمندی وابسته به ابزار است، مثلاً ثروت، شهرت، تحصیلات و... گزاره های این باور
سطحی هستند، در حالی که رضایتمندی آرامش درونی با وجود طوفان حوادث زندگی است، ممکن است من
انسان ثروتمندی باشم اما برای حفظ ثروت خود همواره در تب و تاب باشم و در نهایت از همان ثروت برای درمان
بیماری های ناشی از همان تب و تاب استفاده کنم، ممکن است من، انسان مشهوری باشم اما همین شهرت
آرامش را از من برباید، ممکن است من انسان تحصیلکرده ای باشم، اما مهارت زیستن صحیح را نیاموخته باشم؛
چون تحصیلاتم عاری از معرفت است؛ همه این مثال ها آرامش را از من دور می کند و میزان رضایتمندی از
زندگی را کاهش می دهد. نقطه آغاز کسب رضایتمندی در زندگی از تعامل شایسته با خالق یکتا شروع می شود،
که امام سجّاد (ع) طلایه دار این ارتباط ربّانی است. اگر انسان به فقر ذاتی خود در پیشگاه الهی پی ببرد و کبر و
ریا را از خود دور کند، کبريایی می شود و راه رسیدن به این مهم خواستن مدام از خالق متعال است.